

پروردگار من الله است

فارسي



معنی رب 1

www.with-allah.com/fa



دکتر محمد بن سرار یامی
دکتر عبدالله بن سالم باهمام

شناخت الله آفریننده نو آفرین

h-allah.com/fa



الله اسمی است که در لفظ شیرین و در معنا دلپذیر است و از توله و تعلق و دوستی و محبت گرفته شده و از بی همتایی و بی نظیر بودن و پرستش و اخلاص بر گرفته شده است. این نام چقدر با عظمت است!

شناخت الله آفریننده نو آفرین

الله اسمی است که در لفظ شیرین و در معنا دلپذیر است و از توله و تعلق و دوستی و محبت گرفته شده و از بی همتایی و بی نظیر بودن و پرستش و اخلاص بر گرفته شده است. این نام چقدر با عظمت است!

اولا: پروردگار من الله است:

"اوست خداوند آفریدگار نو آفرین نقشبند" [سوره حشر آیه ۲۴]

۱- معنی رب:

رب آن سرور و سالاری است که نمونه و مانند ندارد. او اصلاح کننده امور آفریده های خود بوده و نعمت های خود را بر سر آنان سرازیر کرده است. او آن مالک و صاحبی است که آفرینش و حکم از آن اوست. واژه رب برای مخلوق استفاده نمی شود مگر در حالت اضافه مانند: رب الدار: صاحب خانه، رب المال: صاحب مال. اما استفاده مطلق از آن، فقط خاص الله تعالی است.

چون آگاهی مردم نسبت به نیازشان به رب و پروردگار پیش از فهم آنان به نیازمندی به اله و معبود است و آنان پیش از دفع نیازمندی های سرای دیگر قصد دفع نیازمندی ها در این سرای نزدیک را دارند، پس پیش از اقرار به الوهیت به ربوبیت خداوند اقرار نموده و دعا و خواسته های خود را مطرح کرده اند. از او یاری خواسته و بر او توکل کرده اند و این ها بیشتر از پرستش و روی آوری با او بوده است.

او الله است، همان آفریننده نو آفرین و نقشبند که تمامی مخلوقات را آفریده است. آفرینش آنان را نو نمود و به حکمت خود آنان را استوار داشته است با ستایش و حکمت خود آنان را نقش بسته و او همیشه بر این وصف بزرگ بوده و هست.

الله رب است: او پرورش دهنده و مسلط بر تمام بندگانش است. امور آن ها را تدبیر و نعمت های خود را بر آنان سرازیر می سازد و خاص ترین این تربیت و پرورش اصلاح قلوب و ارواح و اخلاق دوستانش است. به همین سبب بسیار زیاد به نام جلیل او را می خوانند، زیرا آنان این تربیت و پرورش خاص را از او می خواهند.

رب و ربوبیت دارای معانی بزرگی است. از آن جمله دخل و تصرف در خلق و دادن روزی و صحت و توفیق و راه‌نمایی. خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: "و کسی که او به من غذا می‌دهد و به من [آشامیدنی] می‌نوشاند (۷۹) و چون بیمار شوم همو مرا شفا می‌دهد (۸۰) و کسی که مرا می‌میراند آن گاه زنده‌ام می‌گرداند (۸۱)" [سوره شعراء آیات ۸۱-۷۹]



۲- دلایل وجود رب:

تمام هستی به این اقرار می‌کند و آن را تصدیق نموده و به آن اعتراف می‌کند و ایمن دارد و به وجود الله فریاد می‌زند خدای بلند مرتبه می‌فرماید: "رسولانشان گفتند: آیا در [وجود] خداوند شك هست، که آفریننده آسمانها و زمین است! شما را فرا می‌خواند تا گناهانتان را برای شما بیامرزد و تا مدتی معین [اجل] شما را باز پس اندازد. گفتند: شما جز بشری مانند ما نیستید. می‌خواهید که ما را از آنچه نیاکانمان می‌پرستیدند، باز دارید. پس برای ما دلیلی آشکار در میان آورید" [سوره ابراهیم آیه ۱۰]

چگونه برای وجود کسی دلیل می‌خواهند که ایشان بلند مرتبه و با عظمت و دلیل هر چیز است. اگر باصرف نظر از این، در پی دلیل برای رب و پروردگار بگردیم این موارد را خواهیم یافت:

مومن: کسی است که یقین دارد الله تعالی پروردگار توانا بوده و یقین دارد که او معبود یگناست.

او را جز به فضل و احسانش ذکر نمی‌کند و نمی‌ستاید و تو در هر دو حالت به او، جل جلاله نیاز داری



دلیل فطرت:

مخلوقات بر ایمان به خالق آفریده شده اند و فقط کسانی از این ایمان رویگردان می شوند که فطرت حقیقی آنها محو شده است. از بزرگترین دلایل گرایش فطرت به الله تعالی، آن سخن رسول خدا صلی الله علیه و سلم است که می فرماید: "هر مولودی بر اساس فطرت از مادر متولد می شود و پدر و مادرش او را یهودی، مسیحی و یا مجوسی می کنند. به مانند چهارپایان که بچه خودشان را می زایند، آیا در میان آنان گوش بریده ای می بینی" (روایت از بخاری است)

هر مخلوق بنابر فطرتش به توحید اعتراف می کند. خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: "پس روی [دل] ات را با حق گرایي تمام به سوي این دین بگردان. از فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است [پیروی کن]. آفرینش خداوند دگرگونی نمی پذیرد. دین استوار این است. ولی بیشتر مردم نمی دانند" [سوره روم آیه ۳۰]

این ها دلایل فطرت بر وجود پروردگار بلند مرتبه هستند.

دلیل فطرت بر وجود الله تعالی از هر دلیلی قوی تر است. البته برای کسی که مورد هجوم شیطان قرار نگرفته باشد. به همین سبب الله متعال فرموده است: "فطرت الهی که مردم را بر اساس آن پدید آورده است" [سوره روم آیه ۳۰]

و این را بعد از این سخن اظهار داشت: "پس روی [دل] ات را با حق گرایي تمام به سوي این دین بگردان" [سوره روم آیه ۳۰]

فطرت سالم به وجود الله تعالی گواهی می دهد و کسی که مورد هجوم شیطان قرار گرفته است به طور عادی از این دلیل استفاده نمی کند و زمانی به آن نیاز پیدا می کند که در مشکل و ورطه بزرگی بیفتد. در آن هنگام دستان، چشمان و دلش به سوی آسمان متوجه می شود و با فطرت و آفرینش استوارش مستقیماً از پروردگارش یاری و کمک می جوید.

الله نامی است که در فطرت نقش بسته و نیاز به دلیلی رسا تر از این نمی باشد.

دلیل عقل:

از جمله قوی ترین و مستدل ترین دلایل بر وجود خالق دلایل عقلی است که جز فرد منکر و کافر کس دیگری نمی تواند آنها را انکار کند. از این نمونه است:

۱. هر مخلوقی خالق و آفریننده ای دارد و چون این ها آفریده شده اند، پس باید آفریننده ای داشته باشند که آنها را آفریده است، زیرا هیچ چیز نمی تواند خودش را به وجود بیاورد و همچنین نمی شود به طور تصادفی به وجود آمده باشد، نمی تواند خودش را به وجود بیاورد زیرا به حکم عقل هیچ چیز نمی تواند آفریننده خود باشد، چون آن پیش از بوجود آمدن، معدوم است و چگونه می تواند آفریننده و خالق خود باشد در حالی که وجود ندارد پس چون هر چیزی که موجود است باید بوجود آورنده ای داشته باشد و از سوی دیگر آفرینش او با این نظام شگفت، بدیع، هماهنگ، متحد و صمیمانه بوده و نظام اسباب و مسببات بین مخلوقات حاکم گشته پس به طور قطع محال است که به شکل تصادفی به وجود آمده باشد. هر آفریده ای آفریننده ای دارد و اگر این مخلوقات نمی توانند خودشان را بیافرینند و امکان به وجود آمدن به شکل تصادفی نیز وجود ندارد پس می ماند اینکه آنان را بوجود آورنده ای است که او الله پروردگار جهانیان است. خداوند بلند مرتبه و با عظمت این دلیل عقلی و این برهان را در قرآن این چنین ذکر کرده است: "آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند!" [الطور: ۳۵]

یعنی آنها بدون آفریننده آفریده نشده اند و خودشان هم خود را نیافریده اند. پس باید آنها خالق و آفریننده ای داشته باشند و آن الله بلند مرتبه است. در روایات آمده است که آن گاه که جبیر بن مطعم شنید رسول خدا صلی الله علیه و سلم سوره طور را می خواند و به این آیات رسید: "آیا بی آفریدگار آفریده شده اند یا اینکه خود آفرینندگانند! (۳۵) آیا آسمانها و زمین را آفریده اند! [نه] بلکه آنان یقین نمی کنند (۳۶) آیا خزانه های پروردگارت نزد آنان است یا آنان چیره هستند (۳۷)" [سوره طور آیات ۳۷-۳۵]

جبیر در آن روز مشرک بود و گفت: "نزدیک بود قلبم از جا کنده شود." (روایت از بخاری است)

۲. آیات آشکار خداوند در هستی و آفرینش او؛ خداوند ارجمند و با عظمت می فرماید: " بگو بنگرید که چه چیز در آسمانها و زمین است"

[سوره یونس آیه ۱۰۱]

زیرا نگرستن در آسمانها و زمین سبب می شود تا شخص به این نتیجه برسد که الله همان خالق است و به ربوبیت پروردگارش یقین کند. از یک اعرابی در بیابان پرسیدند: خدایت را به چیز شناختی؟ گفت اثر پا بر رونده ای دلالت می کند و پشگل شتر بر وجود شتر. آیا این آسمان دارای برج ها و زمین با دره و کوه و دریای پر موج اش بر پروردگار شنوای بینا دلالت نمی کنند!؟

بشریت در برابر پرده های غیب و پوشیده برای همیشه عاجز و ناتوان باقی می ماند هر چندان که دانش مادی، زمینی او اوج بگیرد، تنها ایمان به خداوند است که این موضوع را حل می کند.

۳. منظم بودن امر دنیا و محکم بودن این نظم و ترتیب، این دلالت می کند که تدبیر کننده آن یک معبود یکتا بوده و صاحب و مالک یگانه بوده و پروردگار و رب یکی است و غیر از او معبود و رب دیگری وجود ندارد، همانگونه که وجود دو پروردگار و معبود و آفریننده که در تمام امور مثل و مانند هم باشند محال است، رسیدن به این دانش که هستی را دو خدای مانند هم آفریده اند ناممکن بوده و بر اساس فطرت بشری و دانش آدمی محال است. پس وجود دو معبود باطل می شود.

دلیل شرع:

تمام قوانین آسمانی بر وجود آفریننده و بر کمال علم، حکمت و رحمت او دلالت می کنند، زیرا این قوانین باید قانونگذاری داشته باشند و قانونگذار خداوند ارجمند و با عظمت است. خداوند بلند مرتبه می فرماید: "ای مردم، پروردگارتان را که شما و پیشینیانتان را آفریده است، بندگی کنید تا [از خشم خدا] ایمن مانید (۲۱) کسی که زمین را [مانند] بساطی و آسمان را [مانند] سقفی برایتان قرار داد. و از آسمان آبی باراند، سپس بدان از [انواع] فرآورده ها برای روزی شما بر آورد. پس در حالی که می دانید برای خداوند همتیانی مقرر مکنید (۲۲)" [سوره بقره آیات ۲۲-۲۱]

و تمام کتاب های آسمانی این چنین اظهار می دارند.

دلیل حس

از آشکارترین و واضح ترین براهین گویای وجود پروردگار پاک و بلند مرتبه دلیل حس است. حسی که برای هر صاحب بصیرتی آشکار و ملموس است:

۱. پذیرش دعاها: انسان خداوند ارجمند و با عظمت را به دعا می خواند و می گوید: ای پروردگار، از او چیزی می خواهی و بعد مشاهده می کند که دعایش پذیرفته شده است و این دلیلی ملموس و قابل درک با حس بشری بر وجود رب است. او جز خداوند کس دیگری را نخوانده و خداوند دعای او را پذیرفته است و چه بسا این بارها مشاهده شده و نمونه هایی از این پذیرش را بارها در باره گذشتگان شنیده ایم که خداوند دعای آنها را پذیرفته و خواسته آنان را لیبیک گفته است و این امری عادی است که دلالت بر وجود خالق می کند و از این دست در قرآن فراوان است واز آن جمله: "ایوب را [نیز یاد کن]، چون پروردگارش را ندا داد که: آسیبی به من رسیده است و تو مهربانترین مهربانانی. (۸۳) پس [دعایش] را اجابت کردیم" [سوره انبیاء آیات ۸۴-۸۳]

و جز این آیات فراوانی در این باره وجود دارد.

۲. هدایت مخلوقات به راز زندگی شان: چه کسی انسان را در هنگام ولادت به سوی پستان مادر رهنمون می کند تا از آن شیر بنوشد و چه کسی هدهد را به دیدن جایگاه آب در زیر زمین راهنمایی می کند در حالی که جز او کسی متوجه آن نمی شود؟ همانا او همان الله است که می گوید: "گفت: پروردگار ما کسی است که به همه چیز [هیئت] آفرینشش را داده، آن گاه او را [به جستجوی نیازهایش] هدایت کرده است" [سوره طه آیه ۵۰]



الحاد یک بیماری در عقل و خللی در اندیشه و تفکر و ظلمت و تاریکی در قلب و سبب ضایع شدن زندگی است.



است. او به خدایش آرام می گیرد و به او پناه می برد. او می داند که زندگی مخلوطی از خوبی و بدی و عدل و ظلم و لذت و درد است.

اما کسانی که ربوبیت الله را انکار کرده و نسبت به دیدار با او در شک و تردید اند، زندگی آنها طعم و مزه ای ندارد و سرشار از پریشانی، اضطراب، حیرانی و علامات سوال پی درپی و بدون پاسخ است. آنها پناهگاهی ندارند تا به آن پناه گیرند و عقل های آنان با وجود هوش و ذکاوت در حیرت، سرگردانی و پریشانی بوده و این عذاب دنیاست که صبح و شب آتش آن دلهایشان را می سوزاند.

۲. آرامش روانی: آرامش روانی فقط یک مصدر دارد و آن ایمان به الله تعالی و روز آخرت و... است. ایمانی راستین و ژرف که هیچ گونه شکی در آن نبوده و هیچ نفاقی آن را فاسد نسازد. این است چیزی که واقعیت نمایان به آن گواهی می دهد و تاریخ از نمونه های آن آکنده بوده و هر انسان منصف و بصیر در اطراف خود آن را لمس می کند. ما به تجربه آموخته ایم که بیشتر مردم که در اضطراب و فشار روانی و پریشانی به سر می برند و احساس پوچی و نابودی می کنند کسانی هستند که از نعمت ایمان و خنکی یقین محروم هستند. زندگی آنان هیچ مزه و طعمی ندارد،

۳. و نشانه هایی که پیغمبران و رسولان آورده اند: و آن ها همان معجزاتی هستند که خداوند با آن ها رسولان، پیغمبران و برگزیدگان خودش را بر دیگر آدمیان تایید و تقویت نموده است. هر رسولی را که خداوند به سوی قومی فرستاده است او را با معجزه ای تایید نموده تا برای آنان ثابت شود که آنچه را رسول می گوید از طرف خالق معبود است و پروردگار و معبودی جز او نیست.

۳- اثر توحید ربوبیت در زندگی بنده یکتا پرست:

۱. رهایی یافتن از حیرت و شک: چگونه کسی دچار شک و تردید می شود در حالی که می داند او خدایی دارد که پروردگار همه چیز بوده و کسی است که او را آفریده و او را استوار داشته است. به او اکرام و احسان نموده و او را فضیلت داده است. او را در زمین جانشین خود ساخته و هر آن چه را در آسمانها و زمین است، برایش رام گردانده و نعمت های ظاهر و باطن خود را به او داده





اگرچه پر از لذایذ و رفاه باشد، زیرا آنان برای این زندگی معنی و مفهومی نمی یابند و در آن هدفی مشاهده نکرده و راز آن را درک نمی کنند. اکنون با این وضع و حال آنها چگونه به آرامش روانی و خاطر آسوده دست یابند؟ همانا این آرامش و خاطر آسوده نتیجه و ثمره ایمان و توحید است

و آن درختی پاک است که ثمره اش را به اجازه خداوند می دهد. آن نفخه و دمی آسمانی است که خداوند بر دل

های مومنان نازل می کند تا آنان در هنگام پریشانی ثابت قدم و در هنگام خشم و ناراحتی مردم، خشنود بمانند و در شک و حیرت مردم، آنان به خنکی یقین دست یافته و در هنگام بی ثباتی و سبکسری حلم و بردباری پیشه کنند. این همان آرامشی

کسی که به همراهی خداوند (از دیگران) بی نیاز شد مردم به او نیازمند می شوند.

بود که قلب رسول خدا صلی الله علیه و سلم را در روز هجرت آکنده بود و هیچ گونه غصه و اندوهی به او نمی رسید و ترس

بر او غلبه نمی کرد و هیچ گونه شک و تردیدی در دل او خطور نمی کرد. پروردگار ارجمند و با عظمت می فرماید: "اگر او (پیامبر) را یاری نکنید، در حقیقت خداوند هنگامی به او یاری کرد که کافران در حالی که یکی از دو تن بود [از مکه] بیرونش کردند، هنگامی که در غار بودند، آن گاه که به یار خود می گفت: نگران مباش. بی گمان خداوند با ماست"

[سوره توبه آیه ۴۰]

بر همراه او، صدیق رضی الله عنه احساس اندوه و دلسوزی بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و نه برای خودش، غلبه نموده بود. از این می ترسید که چیزی زندگی رسول را دچار خطر سازد و دعوت توحید دچار اختلال شود، تا جایی که گفت - در حالی که اگر دشمنان او که به سوی غار خیره شده بودند، به پای خود می نگرستند آنها را می دیدند - : "ای رسول خدا اگر یکی از آنان به قدم پای خود بنگرد ما را خواهد دید. رسول خدا صلی

هر گاه در ارتباط با خداوند ضعیف گشتی در معرض درگیری و کینه ورزی قرار می گیری.

الله عیله و سلم فرمود - در حالی که به او آرامش می داد- "ای ابوبکر نسبت به دو نفری که خداوند سومین آنهاست چه گمان می بری؟" (روایت از مسلم است)

و این آرامش دمی ربانی و نوری است که فرد هراسان به آن آرام گرفته و به هنگام پریشانی به آن اطمینان می یابد و فرد غم دیده و محزون به آن آرام گرفته و تسلی حاصل می کند. فرد خسته به آن آرامش یافته و فرد ضعیف به آن قوی می شود و سرگشته و گمراه به آن هدایت می شود. این آرامش پنجره ای است که خداوند بر بندگان مومن خود می گشاید و نسیم روح بخش را بر سرزمین دل آنان جاری می سازد و نور خود را بر آنان روشن می کند و عطر و بوی خوش آن را به دل و دماغ آنان می رساند تا نتیجه برخی از کارهای خیر خود را بچشند و نمونه کوچکی از آنچه در انتظار آنان است، را ببینند و به این نعمت ها از نسیم روح بخش و بوی خوش و ریحان و صلح و امان بهره مند شوند.

۳. اعتقاد و ثقه به خداوند: تمام چیزها به دست خداوند ارجمند و با عظمت هستند و از آن جمله سود و زیان است. الله خالق ارجمند با عظمت است و او رازق و مالک و مدبر است. و کلید آسمان ها و زمین به دست اوست به همین سبب وقتی مومن دانست که جز آن چه خداوند از خیر و شر برایش نوشته است چیز دیگری به او نمی رسد و یک دستی تمام مخلوقات بر خلاف آن چه او نوشته و تقریر کرده است سودی نمی رساند، در آن هنگام می داند که فقط اوست سود رسان و زیان دهنده و بخشنده و منع کننده. این فهم سبب بالا رفتن اعتقاد به الله عز و جل شده و توحید او در دلش ثبات می یابد، به همین سبب خداوند کسانی را ملامت می کند که چیزهایی را می پرستند که سود و زبانی به پرستش کننده خود نمی رسانند. با برکت است آن که می فرماید: "کلیدهای آسمان و زمین به دست اوست و کسانی که به نشانه های خداوند کفر ورزیده اند، اینانند که زیانکارند" [سوره زمر آیه ۶۳]



۴. تعظیم و احترام به خداوند: این اثر در زندگی کسی که به خداوند ایمان دارد آشکار است. کسی که فقط او را می پرستد و فقط رضایت او را هدف اعمال خود قرار داده است. وقتی که مومن به ملکوت و پادشاهی خداوند در آسمانها و زمین فکر می کند او را نسزد جز این که بگوید: " پروردگارم از روی دانش [به] همه چیز احاطه دارد"

[سوره انعام آیه ۸۰]

و می گوید: "پروردگارا، این را باطل نیافریده ای، پاکی برای توست" [سوره آل عمران آیه ۱۹۱]

تمام این ها به ارتباط قلب با پروردگارش، خالق ارجمند و با عظمت دلالت می کند. تا در مسیر کسب خشنودی او تلاش کرده و در راستای احترام و بزرگداشت شرع و قانون او سعی کند و کسی را که نه برای خودش و نه برای دیگران، مالک ذره ای در زمین و آسمان نیست شریک خداوند نسازد. و تمام این امور تعظیم و احترام به پروردگار ارجمند و با عظمت واز آثار توحید ربوبیت بر مومن است.

در دل پراکنندگی ای هست که جز با روی آوردن به خداوند چیز دیگری آن را جمع نمی کند. در آن ترس و وحشتی است که جز با انس گرفتن با خداوند از بین نمی رود و در آن غم و غصه ای هست که جز با شادی و سرور به شناخت او و رفتار صادقانه با او زایل نمی شود.



۴- الحاد و خطرات آن:

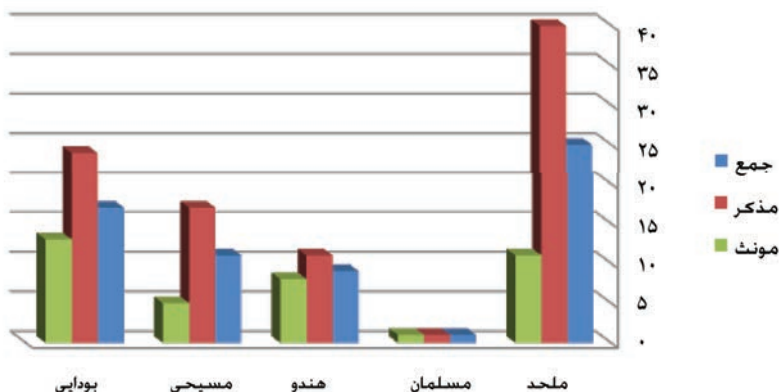
الحاد همان انکار خالق ارجمند با عظمت است که فقط به سبب فکر بیمار یا نگاه سست یا روی گردانی و عناد و سرکشی روی می دهد. این یک نوع بیماری در عقل و تفکر و خللی در اندیشه و ظلمت و تاریکی در قلب است که سبب می شود تا نگاه ملحد را سست و بی توان کرده و قلب او را تاریک گرداند به شکلی که از او توان دیدن و درک امور غیر محسوس و مادی را می گیرد. پس افکار و باورهای اندیشه مادیگرایی بر او تطبیق پیدا می کند و در نتیجه بدبخت و گمراه بر جای می ماند. چنین گمان می برد که انسان فقط یک موجود مادی است که فقط قوانین مادی بر او اجرا و تطبیق پیدا می کنند.

تمام این ها خطری بر بشریت به حساب می آیند که او را به سمت میل مادی محض و عقلانیت خشک بدون سعادت و راحتی و شادی و شادمانی سوق می دهند. چون ملحد به وجود هیچ معبود و الهی باور ندارد هر کار که بخواهد در هر زمان و مکان بدون هیچ گونه خوف و ترس از عذاب انجام می دهد زیرا او از هیچ معبودی هراس به دل ندارد. این وضع منجر به فساد فطرت بشری و نابودی آن می گردد. جدا از اینکه آن کفر به خداوند ارجمند و با عظمت و میل برای دادن حق پرستش او به دیگران است. (با برکت و منزه است پروردگار) به همین سبب در طول تاریخ خودکشی در میان ملحدین بسیار فراوان گشته به طوری که بسیاری از متفکرین، اهل فرهنگ و شعر به خودکشی



روی آورده اند. تاریخ آکنده از این موارد است و تحقیقات هم این را ثابت می کنند. در پژوهشی که موسسه سلامت جهانی (OHW) منتشر ساخته است، پژوهندگان این تحقیق دکتر جوس مانویل و ایساندرا فلیشان اظهار می دارند که رابطه مستقیمی میان دین و خودکشی وجود دارد و تاکید می کنند که بیشتر افرادی که به خودکشی روی می آورند ملحد و بی دین هستند و در نمودار زیر این موضوع تبیین شده است:

نسبت خودکشی با دین برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر



ایمان به الله، آن خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، بالاترین و برترین اعمال است که جایگاه آن از تمامی کردارها بالاتر و بزرگتر از همگی بیشتر است.

امام شافعی

بازبینی

۱. اگر دلایل وجود الله ظاهر و آشکار است و عقل، حس، فطرت، قانون آسمانی و شرع به آن گواهی می دهند، پس چرا باز هم ملحد یافت می شود؟
۲. چرا مردم پیش از احساس الوهیت متوجه ربوبیت خداوند می شوند؟
۳. تعدادی از دلایل وجود الله و ربوبیت او را که روزانه مشاهده می کنید نام ببرید.
۴. تعدادی از معانی ربوبیت الله عز و جل را نام ببرید.
۵. رابطه بین الحاد و خود کشی را شرح داده و بگویید که چرا الحاد منجر به خودکشی می شود؟

